



نشریه صنفی سندیکا – شماره اول

مُ شکلات خوابگاهی دارُم!



فرشاد حصاری

خیلی خوشحالم که بالاخره مجال آن را یافتم تا درد و دل هایم را جایی بنویسم و کمی از احساسی را که تجربه می کنم به اشتراک بگذارم، آن هم در مورد مقوله ای که جای صحبت بسیار دارد و موضوعیست با ابعاد گوناگون و پتانسیل های متوع.

آنچه که قرار است از آن سخن برود،خوابگاه است.
بله خوابگاه! البته نه خود خوابگاه، بلکه جنبه ای از آن که هم اکنون به معضلی واقعا مخاطره آمیز تبدیل شده است. معضلی از جنس زندگی، با اسانس دانشجو، آن هم از نوع خوابگاهی و به خصوص خوابگاه گلستان.

مشکل ما «سردوش» است. شاید تعجب کرده باشید ولی اگر کمی واقع بین باشید، می بینید که زیاد هم بی راهه نرفته ایم. شما خودتان را بگذارید جای کسی که یک ماه است به حمام نرفته و تربیت ۱ یا ۲ هاردو! را داشته، هیچ فوتیالی در فنس را هم از دست نداده است .

از آن هایی که تیپ مشکی میزنند و زیر بغلشان سفیده می بندد هم هست و باقی اش را که خودتان هم خوب می دانید، مزاحمتان نمی شوم...

چی؟خودتان را جای او نمی گذارید؟ چندشتان شد؟
خب ایراد ندارد، یکی دیگر را جای او بگذارید.

یک چنین فردی که حتی آب و مواد شوینده هم از شستن پیکرش به فغان می آیند و شده است کابوسی برای شرکت های دودرانت سازی، با هزار منت راضی شده است که به حمام برود و خوابگاه را یک صفایی بدهد.

به سمت ابتدای راهرو می رود. صدای گام هایش در سالن طنین انداز می شود. همه به احترامش ایستاده اند و دیده هایشان مملو از امید است. کمی جلوتر در را باز می کند و حامی را که نورگیر بهتری دارد انتخاب می کند. لباس هایش را که آویزان می کند، ناگهان تمام امید ها به یاس تبدیل می شود و دنیا تاریک می گردد.

حتما با خودتان می گوید چه شده است؟ عجله نکنید، می گویم.

این عزیز دل ما چشمش به دوشی که «سر دوش» ندارد افتاده و منصرف شده است، چرا که او!؛ دوش بدون سردوش اصلا تمیز نمی کند.

ثانیا؛ حال نمی دهد و ثالثا؛ مگر دیوانه ام زیر دوشی که آب با فشار به کله ام بزند و کله ام را سوراخ کند بروم؟

بله و باز هم این داستان هایی که گفتیم برای چند هفته ادامه خواهد یافت. شاید با خودتان بگویید که چرا حمام ها سردوش ندارند؟ راستش اوایل من فکر می کردم که حتما این ها هم قربانی خلافت جوان ایرانی شده اند و شاید چیزی با آن ها می کشند(مثل بطری ها و میله های خود کار و غیره و ذلک)!

اما بعد ها فهمیدم که بر عبت می بایدیم و این طور نبوده است، چون روزی یکی از بچه ها آمد و قضیه را شرح داد که این سردوش ها تبدیل به یک ترند(Trend) شده اند؛ یعنی تا از تاسیسات می آیند و سردوش نصب می کنند، بچه ها بدودو میریزند و آن ها را به نفع خودشان مصادره می کنند!و الا آن هر کسی در خوابگاه برای خودش یک سر دوش شخصی دارد و هر وقت به حمام می رود آن را هم با خودش می برد.

البته صادفانه بگویم که هنوز هم با توضیح دقیقم قانع نشده ام و فکر می کنم که رازی در پس این پرده نهان است.

بگذاریم...

حالا که این معضل را برایتان مشروح کردم، فهیدید که در مورد مسائل خوابگاه اشتباه می کردید؟ اگر فکر می کردید که بوی علف و سیگار و تریاک در راهرو های خوابگاه معضل است، باید بگویم که اشتباه می کردید. اگر فکر می کردید که لثش کردن جوانان در خوابگاه در حالیکه می توانند هزارتا کار مفید انجام دهند معضل است، اشتباه می کردید.

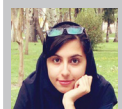
اگر فکر می کردید که بی توجهی مسئولان به بحران آب مثل چکه کردن های دائمی شیر های فرسوده ی آب و آبیاری بسیار بی نظم فضای سبز پردیس معضل است، اشتباه می کردید.

اگر فکر می کردید که مجهز کردن پردیس دانشگاه به دوربین های مدار بسته در حالیکه صدای تخت های فرسوده و قدیمی لثت یک خواب راحت را از دانشجویان گرفته است،مشکل است، اشتباه می کردید.

اگر پیش خودتان فکر می کردید که پاسکاری های متعدد حتی درون خوابگاه برای یک تخته ی کمد یا یک رخت آویز معضل است، اشتباه می کردید.

حتی اگر فکر می کردید که مشکل ما بی برنامه گی آن عزیزی است که هر روز صبح ساعت ۳ نازه به فکر فتهو زدن آن هم از نوع ترک می افتد، باید بگویم که داداج داشتی اشتباه فکر ی کردی!

خلاصه ی مطلب اینکه ؛ دوستان سعی کنید زیاد به صفحه ی کامپیوتر و گوشی ،مخصوصا آن هایی که پشتش سبب گاز زده دارد و جلوی آینه خیلی خوش عکست می کند، نگاه نکنید و تلاش کنید تا برای خودتان یک «سر دوش» تهیه کنید و یادتان باشد که هیچ وقت برای داشتن یک «سر دوش» شخصی دیر نیست!



زهرا شادمان

وقتی گفتند در مورد مصائب و مشکلات دختران در دانشگاه مقاله بنویس اول از همه خاطرات خودم و دوستانم جلوی چشم قطار شدند و این چنین شد طرز تهیه این مقاله: ۳کیلو تجربیات خودم و اطرافیان (البته سنی هم نداریم)+ ۵/۰کیلو پرس و جو + ۲قاشق غذاخوری طنز (به عنوان چاشنی).

سرانجام مشکلات بدین شکل لیست شدند:

• خوابگاه دختران

من اصولاً یاد فیلم ترسناکی به همین نام میفتم اما این بار گویا امنیت تضمین شده است. وقتی در مورد مشکلات خوابگاه پرس و جو کردم یکی از مسائل مطرح شده ساعت بازگشت بود. پسران تا ساعت ۱۲ و دختران تنها تا ساعت ۹:۳۰ حق برگشت به خوابگاه را داشتند.راستش را بخواهید کمی غیر منطقی است؛ در نظر بگیرید دختری که بعد از اتمام کلاسش ساعت ۷ بعد از ظهر با این حجم از ترافیک درون شهری بخواهد به کتابفروشی آن سر شهر برود و حداکثر تا ۹:۳۰ برگردد.در این مورد میتوانذ از دکمه پرواز برای به موقع رسیدن بهره برد و الا در صورت تأخیر و تکرار آن به خانواده وی اطلاع داده می شود که خود می تواند موجب سلب اعتماد و تحمیل استرس بر والدین و دانشجو باشد. این در حالیکت که بر طبق بند نهم اصل سوم و نوزدهم همه ی افراد جامعه اعم از زن و مرد باید از فرصت های برابر برخوردار باشند و نباید تبعیضات ناروا اعمال شود.

مشکل دیگر عدم دسترسی به اینترنت بود که نه تنها یکی از منابع مهم علمی در زمینه پژوهش های درسی دانشجویان است بلکه در زمینه خدمات رفاهی نیز(رزرو غذا و ...) بیشترین ضرورت را برای این قشر دارد. در عصری که کم مانده خود کار ها هم به اینترنت وصل شوند، چنین مشکلی عجیب به نظر میرسد!

• انتظامات حواس جمع

من احتمال قریب به یقین می دهم دختری در دانشگاه نباشد که لااقل یک بار مورد بازجویی این افراد وظیفه شناس قرار نگرفته باشد. مخصوصا در دانشکده پزشکی که گمان میکنی به جلسه ی غیر علنی مجلس وارد می شوی.حتما باید کارت علوم پزشکی همراه داشته باشی و با انتظامات وظیفه شناس به هیچ عنوان بحث نکنی چون اگر بنا به دلایلی احساس کنند بچه پر رو هستی چندین راهکار برای رو کم کنی ات در استین دارند.[این موارد بیشتر مربوط به ترم های کم است] –دختران کم سن عزیز که تازه راندگی یاد گرفته اند و به شدت علاقه مندند که در شهرک فردوسی گاز بدهند و با غرور از جلوی خیل عظیم منتظران اتوبوس رد شوند باید حواسشان باشد که از کسی خصوصا از مسئولین درجه چندم دانشگاه سبقت نگیرند؛ چون دیده شده مسائل متفرقه از قبیل شوری شام دیشب، «سلام نکردن بچه ها، گران شدن تعویض روغنی و غیره را بر سر آن ها خالی می کنند. هیچ بعید هم نیست که آنها را تعقیب کنند تا با ایجاد رعب و وحشت درس مهم «دیگر برای بزرگ ترت شاخ نشوی »

مشکلات دختران در دانشگاه

را یاد بدهند.

• **همکلاسی ها و دانشجویان زبل**

مسلماً رفتارهای مجازی نقش بالقوه ای دارند. در مورد افرادی که ترم پایینی هستند (معمولا ترمک ها) و بنا بر ذوق و شوق روزهای ابتدایی دانشگاه در اینستاگرام یا گروه های کلاسی بیش از حد فعال اند ؛ هیچ بعید نیست کسی از بچه های کلاس یا حومه به آنها متذکر شوند که تعادل را رعایت کنند . کاملا اشتباه است که فکر کنید این مسائل شخصی اند؛ چون نه تنها فعالیت مجازی بلکه عکس پروفایل شما هم به آنها مربوط است. اصلا عجیب نیست که فرضیه ی امر به معروف و نهی از منکر را (البته دقت کتین این تنها ظاهر است و هدف همیشه وسیله را توجیه میکند) شخصا در پی وی اجرا کنند و بخواهند به شیوه ای که نزدشان پذیرفته است حجاب را ترویج دهند.دقت کنید که این وظیفه ی خطیر به طور ناوشته ای از همان روز اول دانشگاه به عهده ی ۱۲الی ۳ نفر از پسران دلواپس کلاس گذاشته شده است و این گروهک اعتقاد دارند که خداوند به جز آن ها کسی را به بهشت نمی فرستد و مأمورند بقیه را هم بهشتی کنند.(البته همانطور که گفتم فقط ظاهر قضیه است)

• فعالیت های سیاسی و هنری

فعالیت های سیاسی معمولا برای دختران و پسران به یک اندازه هزینه بر است اما تفاوتی که ممکن است وجود داشته باشد در طرز برخورد اطرافیان است. مسلما کسی از یک دختر انتظار ندارد به جای جا افتادن قورمه سبزی یا قد کشیدن برنج (!)، دبیر سیاسی بشود یا در بحث های سیاسی آزادانه دیدگاهش را مطرح کند و دیگران را به چالش بکشد. از دیدگاه عموم این مسئله نوعی تابوشکنی محسوب میشود و نگاه ها به شدت روی این دختران معطوف است تا منظور دیگری از چنین فعالیت هایی بیابورند.حتی در مورد پوشش این قبیل دختران حساسیت بیشتری به خرج داده میشود که ممکن است به کمیته انضباطی ختم شود. تمامی این مشکلات سبب شده دختران کمتر میل و رغبت به فعالیت های سیاسی نشان دهند و کسی که جسارت لازم را به خرج میدهد عموما در این مسیر تنهاست و موجب کاهش اعتماد به نفسش میشود.

فعالیت های هنری نیز دردرسهای دیگری دارد که اصولا در زمینه شعر و نویسندگی بیشتر آشکار میشود. کمتر دختری را میشناسم که اهل گفتن شعر عاشقانه و انتشار آن باشد؛ چون به نظر همه کسی که شعر میگوید عاشق است و حالا رسالت تعدادی از بچه های دانشگاه برای پیدا کردن پرتقال فروش آغاز میشود! اگر با وی از نزدیک آشنا نباشند انگشت اتهام به سمت همه ی اطرافیان حتی مغازه داری که از آن خرید میکند دراز است و اگر احیانا قیلا برخوردی با شاعر داشتند و جواب سلامشان را داده ،به خاطر سطح بالایی از اعتماد به نفس نهادهین شده در وجود پسران این مرز و بوم شک نمیربند که مخاطب تمام اشعارند و مزاحمت های زیادی را برای نامبرده ایجاد میکند. بعضی از بچه های دانشگاه سبقت نگیرند؛ چون دیده شده مسائل متفرقه از قبیل شوری شام دیشب، «سلام نکردن بچه ها، گران شدن تعویض روغنی و غیره را بر سر آن ها خالی می کنند. هیچ بعید هم نیست که آنها را تعقیب کنند تا با ایجاد رعب و وحشت درس مهم «دیگر برای بزرگ ترت شاخ نشوی »

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: پریسا پورتنقی

سردبیر: سهراب نوذری

هیئت تحریریه این شماره: محمد زمردیان، فرشاد حصاری، زهرا شادمان، رضا فرزانه، امیرحسین سرسرابی، پوریا تاتاری

ویراستار: ریحانه مدرس

با تشکر فراوان از: آرش ناظری

.....

با ما در ارتباط باشید

کانال ما در تلگرام: @unisenfi
ارتباط با ما: @allo_senfi

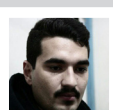


سندیکا!

نشریه مستقل صنفی

دانشگاه علوم پزشکی مشهد

سرمقاله



پوریا تاتاری

چرا سندیکا؟!

سندیکا واژه ای مبهم و سوال برانگیز اما درپایست از شور، انگیزه و اراده برای اصلاح به سوی برابری و عدالت. سندیکا از به هم پیوست جمع هایی کوچک تشکیل می شود که منافع یکسان و اهداف مشخص دارند. اندک اندک اما، با کوشش این فعالین، آن جمع های قلیل و چند نفره تبدیل به اهرم های موثر و قدرتمندی می شوند که توان تغییر اوضاع به منظور بهبود وضعیت اقتصادی، رفاهی و به صورت کلی شرایط اجتماعی آنان را دارا می باشد.با این اوصاف، اگر بیشتر تجربه‌ی اتحاد موفقیت آمیز بوده، پس چرا ما دانشجویان که بیش از هر کسی دغدغه‌ها و خواسته های مشترک داریم متحد نشویم؟!

سندیکا که نام نشریه ی جدیدالتاسیس ماست، از تاریخی عظیم بر می خیزد و ریشه های خود را در قرن هجدهم میلادی می یابد، جایی که هزاران هزار کارگر مانده از حقوق اولیه‌ی خود پرامون تشکل های صنفی این چنینی گرد هم آمدند و روزگاری نوین را رقم زدند. با گذشت صدها سال از آن دوران، هنوز نام سندیکا لرزه بر اندام آنانی می اندازد که چشم حسد بر ملزومات زندگی مستضعین را دارند.

در دانشگاه های ایران نیز، به علت دولتی بودن دانشگاه و الزام دولتها به ارائه‌ی خدمات صنفی بدون تبعیض به دانشجویان، حقوق صنفی بخش بزرگی از خواسته های دانشجویان را شامل میشود. از جمله این حقوق میتوان به حق تامین خوراک سالم و ارزان، حمل و نقل ایمن و رایگان و مهم تر از همه مسکن مناسب اشاره نمود.با توجه به برخی سیاست های اقتصادی اعمال شده در دانشگاه‌ها، به نظر می آید حداقل در حق بخشی از دانشجویان به ویژه دانشجویان خوابگاهی، تبعضاتی روا داشته شده است. تصحیح روندهای بعضا غلط موجود و تامین این دست میشاسم که اهل گفتن شعر عاشقانه و انتشار آن باشد؛ چون به نظر همه کسی که شعر میگوید عاشق است و حالا رسالت تعدادی از بچه های دانشگاه برای پیدا کردن پرتقال فروش آغاز میشود! اگر با وی از نزدیک آشنا نباشند انگشت اتهام به سمت همه ی اطرافیان حتی مغازه داری که از آن خرید میکند دراز است و اگر احیانا قیلا برخوردی با شاعر داشتند و جواب سلامشان را داده ،به خاطر سطح بالایی از اعتماد به نفس نهادهین شده در وجود پسران این مرز و بوم شک نمیربند که مخاطب تمام اشعارند و مزاحمت های زیادی را برای نامبرده ایجاد میکند.

بهرهن است که درمان نمودن این درد های مشترک نه جدا جدا، که با هم و زمانی حادث می شود که دانشجویان همچون سایر اصناف متشکل، به پیگیری خواسته های خود بپردازند. در سالهای اخیر برآندهای نسبتا مثبتی از فعالیت مصرانه‌ی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد دیده می شود، به خصوص در زمینه‌ی تشکل یابی فعالین صنفی نشانه های بسیار روشنی از حرکت رو به جلوی مجموعه‌ی دانشجویی وجود دارد. شورای صنفی دانشجویان دانشگاه و مجموعه‌ی فعالین مستقل آن فارغ از دسته بندی های مرسوم سیاسی و جناحی و دور از حاشیه های مرسوم فعالیت دانشجویی، درصدد است تا با فراهم نمودن محیطی مناسب جهت نشر مسائل صنفی، نماینده‌ی شما دانشجویان عزیز دانشگاه علوم پزشکی مشهد باشد.

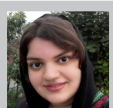
با ارسال پیشنهادها و انتقادات خود یاریگر ما در این عرصه‌ی دشوار در ارتباط بمانید، ما انعی @allo_senfi@باشید. با ما از طریق می بینید را برابمان بازگو کنید و ما را آیینیه ی حقیقت نما و مطالبه گر خواسته هایتان بدانید که راه رسیدن به آن‌ها جز از طریق وحدت دانشجویان و پرورش گری آنان مهیا نمی شود پس :

دانشجویان متحد شوید!

سندیکا!

نشریه مستقل صنفی

دانشگاه علوم پزشکی مشهد



پریسا پورتنقی

دانشگاه قانون دارد

تحصیل در مدت زمان قانونی میباشد. این زمان قانونی برای دانشجویان کارشناسی و دکتری ۸ترم و برای دانشجویان کارشناسی ارشد ۴ ترم میباشد اما طبق آیین نامه ی جدید آموزشی سنوات آموزشی برای دانشجویان ترم ۵ کارشناسی ارشد و همچنین ترم ۹ دکترا حذف شده است.

«براساس قانون حمایت از حقوق مولفان ، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ شما مالک فکری آثار علمی خود اعم از مقاله،جزوه،یادداشت کلامی،پایان نامه و... هستید ؛ اجازه ندهید دیگران آنها را بنام خود ثبت کنند!

حقوق صنفی و رفاهی:

طبق ماده ی ۳ آیین نامه ی شورای صنفی شما دارای حق برخورداری از شورای صنفی و رفاهی جهت انعکاس،پی گیری حل مشکلات و ارائه ی خدمات بهتر به دانشجویان از طریق تعامل با مسئولان موسسه هستید. پس شوراهای صنفی و رفاهی را جدی بگیرید چرا که انها صدای رسای شما در گوش مسئولان هستند.

«خوابگاه حق شماست. اگر در دفترچه ی کنکور ذکر نشده که دانشگاه مورد نظر خوابگاه ندارد؛ پس در هر شرایطی شما حق اسکان در خوابگاه را دارید و هیچ عذری در این باره پذیرفته نیست.

حقوق سیاسی:

«دانشجویان حق دارند برای فعالیت مطبوعاتی سیاسی در قالب تشکل های اسلامی و یا به صورت مستقل از دبیر خانه ی کمیته ی ناظر بر نشریات دانشجویی دانشگاه درخواست مجوز کنند و به نشر دیدگاه های خود در حوزه ی مسائل سیاسی بپردازند. از فعالیت در این نشریات تنرید چرا که حق شماست.

نکته:فعالیت مطبوعاتی در تمامی زمینه های علمی،فرهنگی،پژوهشی و...جزء حقوق دانشجویان است.

«دانشجویان حق دارند از عملکرد مسئولان دانشگاه و سیاست ها و رویه های کشور انتقاد کنند و نقد خود را از مسیرهای قانونی از جمله نشریات دانشجویی،شورای صنفی و رفاهی و تشکلهای اسلامی بیان کنند.

حقوق انضباطی:

«تیسره ۸ ماده ۴ شیوه نامه ی انضباطی و ماده ۱۲ آیین نامه ی انضباطی صراحتا تاکید میکند که تخلفات دانشجویی باید در شوراهای انضباطی دانشگاه ها و شورای انضباطی مرکزی مستقر در وزارت علوم بررسی شوند

و هیچ ارگان و نهاد دیگری حق دخالت در این امر را ندارد.

«تخلفات دانشجو باید به او تفهیم شوند و از دانشجو ۲ بار دعوت رسمی و کتبی برای پاسخگویی به عمل آید. تفهیم اتهام باید با ذکر دلایل و مستندات باشد و دانشجو حق رویت مستندات را دارد. درصورت عدم وجود مستندات کافی دانشجو نیاز به ارائه ی هیچ پاسخی ندارد. پس به هر کسی توضیح ندهید!

«در طول دوران رسیدگی به اتهامات دانشجو حق کامل در استفاده از امکانات دانشگاه و خوابگاه را دارا است.

«اعضای شورا و کارکنان شورای انضباطی مجاز به تجسس در زندگی خصوصی دانشجویان نیستند. در غیر این صورت دانشجو حق دارد موضوع را از طریق شورای تجدید نظر و یا شورای انضباطی مرکزی پی گیری کند.

«کلیه ی اطلاعات مربوط به تخلف دانشجو باید محرمانه باقی بماند و شورا در قبال درز هر خبری به بیرون و فضای دانشگاه مسئول است.



نشریه صنفی سندیکا – شماره اول

#زود- دیر- ورودی جدید



رضا فرزانه

همین اول بسم ... می خواهم یک حرف خیلی کلیشه ای بزنم: تا چشم روی هم بگذارید امسال مثل برق و باد تمام می شود.

معان دومیدانی

باید به شما تبریک گفت، بالاخره یک مانع را پشت سر گذاشته اید و توانسته اید به عرصه ی جدیدی در زندگی وارد شوید. حتما درس خوان هم بوده اید. هدف از این نوشتار، آشنایی بیشتر شما با دانشگاه علوم پزشکی مشهد و به طور کلی دانشگاه‌است.

درس کیلویی چند؟

خب نوبتی هم که باشد نوبت فضای علمی دانشگاه‌است. فضای علمی چیزی نیست جز کار و تلاش دانشجویان که دائماً در حال تبادل اطلاعات هستند. باز دانشجو به دانشجو تا استاد به دانشجو و حتی دانشگاه به دانشگاه، بچه در داخل و چه در خارج. اگر ما در دانشگاه شاهد چنین فضایی نیستیم،باید علت این پدیده را در خود دانشجویان جویا شد.یعنی اگر این طور به نظر بیاید که دانشجویان _ بر خلاف اسفشان که باید به دنبال دانش باشند _برای علم زحمتی نمی کنند؛بِه دانشجویانی برمی گردد که قبل از شما در دانشگاه بودند و حالا روش آنها _در دریافت علم بدون زحمت _روش مرسوم در دانشگاه شده‌است. در دانشگاه باید فضای علمی حاکم باشد ؛چرا که محل علم است. اگر اینجا در رابطه با دانش صحبت نشود ،دیگر جای ندار.

جایی برای زندگی؟!

شما در خوابگاه زندگی اجتماعی را به معنای واقعی تجربه می کنید. اگر تا به حال من یک اتاق داشتم که فقط برای من بود و کسی بدون اجازه من حق ورود نداشت و من مقررات آن را مشخص می کردم الان این طور نیست. حال من به علاوه ی سه یا چهار نفر دیگر باید در یک اتاق زندگی کنیم.حال من با چند نفر دیگر باید قوانین اتاق را تنظیم کنیم. دیگر اتاق فقط متعلق به من نیست بلکه متعلق به چند نفر است. شما باید همیشه به این موضوع توجه داشته باشید که اگر تحمل مسئله ای در خوابگاه برای شما سخت است، برای همه این طور است و تنها برای شما نیست. بنابراین اگر می توانید برای بهتر شدن شرایط تغییری ایجاد کنید این کار را انجام دهید و اگر نه برای اینکه شرایط اذیتان نکنند با آن کنار بیایید و آن را تحمل کنید.(البته خواهید دید همه چیز خوابگاه هم اینقدر بی نیست)

خوابگاه محیطی است که شما باید از کمترین امکانات بیشترین استفاده را بکنید.شاید تا به حال فقط این جمله را شنیده بودیداما در خوابگاه این را باید پیاده کرد. این فقط در زمینه ی درس نیست؛خردیاتان با خودتان است ،آشپزی (در روزهای جمعه) با خودتان است ،نظافت اتاق با خودتان است. خودتان باید برای خود تصمیم بگیرید؛بالاخره هر چه قدر هم خانواده در لحاظ مادی مشکلی نداشته باشد، برای همه ی ما پیش می آید که گاهی اوقات دستانمان تنگ باشد و آن جا هست که یاد می گیریم چگونه برای باقی مانده ی پولمان برنامه ریزی کنیم و آن را مدیریت کنیم. شاید تا به حال اصلا برای شما اهمیت نداشت که چه مقدار پول در حسابتان هست ولی از این به بعد برایتان مهم خواهد بود.

چرخی به نام زندگی!

به قول بعضی ها:از هر چه بگذریم سخن درس خوش تر است! ما باید فضای درس خواندن را در خود به وجود بیاوریم. درس باید در اولویت قرار بگیرد. شاید تا به حال درس می خواندید که وارد دانشگاه بشوید و در کنار آن به شغل هم فکر می کردید. به هر حال هر کس در زندگی هدفی دارد و ممکن است شغل یکی از مهم ترین اهداف وی باشد اما در نهایت این شغل ما در جامعه چه تأثیری خواهد گذاشت؟ آیا غیر از این است که در نهایت خدمت به مردمی که در بین آنها زندگی می کنیم مدّ نظر ماست ؟

درس می خواهی به چه کار؟

اگر دانشگاه برایتان مهم است یا حداقل پرستیژ دانشگاه برایتان مهم است ؛باید بخوانیم تا هماعتدّری که ادعایش را می کنیم، بدانیم. اگر هدف از درس خواندن تا به حال ورود به دانشگاه بود، از این به بعد باید هدف تغییر کند. باید هدف ارتقاء خود باشد. در دانشگاه خود به خود از لحاظ مادی ارتقاء داده می شویم، باید از لحاظ معنوی خود را ارتقاء بدهیم.همچنین باید معلومات خود را بالا ببریم و سید اطلاعاتی خودمان را پر کنیم. برای چه؟ برای کمک به جامعه ؛جامعه ای که به گردن ما حق دارد و در بین این مردم زندگی کرده ایم و حال باید به این مردم کمک کنیم. وارد عرصه ای شده ایم که راحت تر از دوره ی دانش آموزی می توانیم ظرفیت و استعداد خود را نشان بدهیم. این هم باید بدهان بماند؛ مگر نه اینکه این میدان مبارزه است ؛ پس همه چیز هم مهیا نیست و سختی هایی هم در راه است و نباید با دیدن ناملایمات کنار کشید.

انرژی در حد بوندس لیگا!

محیط دانشگاه محیط جوانانه‌ای است و به طور طبیعی پر انرژی و پر نشاط. اگر این انرژی در فضاهای علمی و معنوی خرج بشود حتماً در آینده برداشت خوبی خواهیم داشت اما اگر این انرژی را در راه های مبهم صرف کنیم نه تنها آینده ی مان را خراب کرده ایم بلکه در همان دوره ی دانشجویی هم فرصت متعالی شدن را از دست خواهیم داد و کمترین نتیجه ی آن پاس نکردن دروس و مشروط شدن

سَ نَ وات؟



سهراب نوذری

نیست.

«جریمه زورکی؛ دانشگاه پولکی» «دانشگاه پولکی نمی خوابیم ؛ نیم‌خوابیم» «درآمد دانشگاه ؛ پول غذا و خوابگاه !» «دانشگاه یا دکان؟»

این ها همه شعار هایی بودند که در ماه های اخیر از دانشگاه های ایران از جمله دانشگاه شریف و پلی تکنیک که محل تحصیل نوابغ و آینده سازان این سرزمین است به گوش می‌رسید. نقطه مشترک همه این شعار ها اعتراض به فاصله گرفتن دانشگاه ها از آموزش رایگان و دریافت هزینه های گزاف از دانشجویان است و این که دانشگاه ها به دنبال این هستند که هزینه های خود را از جیب دانشجویان بگیرند. برای حل این مشکلات مسئولین باید به فکر راه های جایگزین کسب درآمد و امکانات مالی مورد نیاز دانشگاه باشند ؛ در غیر این صورت به اجبار مجددا شاهد گران تر شدن قیمت غذاهای سلف ؛ خوابگاه ها و مسلمان هزینه تحصیل در آینده نزدیک خواهیم بود و هر چه بیشتر از آموزش رایگان و همگانی فاصله خواهیم گرفت .



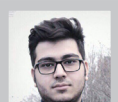
«آموزش کالایی ؛ حماقت اجرایی ؛ میگه برو از ایران ؛ اینجا تو رو نمیخوان» «تلاش این مسئولان ؛ فرار مغز از ایران» از دیگر شعار هایی بود که دانشجویان استفاده کردند. شعار هایی که نشان می‌دهد دانشجویان برتر ایران معتقدند اتخاذ سیاست های این چنینی موجب رارضایی نخیکان از دانشگاه و اقبال عمومی هر چه بیشتر شان به مهاجرت می گردد. به عبارت ساده تر یک دانشجو ترجیح میدهد با خرج کردن کمی پول بیشتر و بعضاً مساوی به دانشگاه های خارج از کشور برود و استعداد و توانایی های خود را در جایی خرج کند که از سطح کیفی بالاتری برخوردار است و مهم تر این که قدر او را بهتر می دانند .

امید است مسئولان با اصلاح قانون سنوات و ایجاد طرح های حمایتی که حس مطالبه گری دارند و می‌توانند دنباله رو جریانات اصیل دانشجویی گذشته باشند ؛ جریاناتی که گمان می‌رفت در حال نابودی باشند. ذکر چند مورد از شعار هایی که در جریان اعتراضات اخیر به قانون سنوات به کار برده شد و تحلیل آن ها خالی از لطف بضاعت صلب خواهد شد .

اعتراضات اخیر بار دیگر نشان داد همچنان دانشجویانی هستند که حس مطالبه گری دارند و می‌توانند دنباله رو جریانات اصیل دانشجویی گذشته باشند ؛ جریاناتی که گمان می‌رفت در حال نابودی باشند. ذکر چند مورد از شعار هایی که در جریان اعتراضات اخیر به قانون سنوات به کار برده شد و تحلیل آن ها خالی از لطف

مهرماه ۹۵

مصاحبه با رتبه اول علوم پایه پزشکی؛ آرش ناظری



امیرحسین سرسرابی

میشه برای ما بگی غیر از درس خوندن در دانشگاه، چه فعالیت های دیگه ای در زمینه های مختلف علمی و فرهنگی و... انجام میدی؟

میخواهم از این ترم در کمیته تحقیقات فعالیت کنم.

حس میکنی فعالیت های جانبی به درس خوندن لطمه میزنه؟

به شخصه هر وقت کارهای زیادی برای انجام دادن داشته باشم بیشتر قدر وقتم رو میدونم و بهتر از پشتون بر میام.

به عنوان یک پزشک آینده فکر میکنی به چه چیزهایی غیر از علم نیاز داری؟

به نظر من چون یک پزشک با بیماران زیادی سروکار دارد، علاوه بر سواد پزشکی، باید مهارت ارتباط درست با بیمار رو هم داشته باشد.

خوشبختانه تو خوابگاه امکانات برای درس خوندن تا حدود زیادی مهیاست و به شرایط عادت کرده ام و تنها سختی برای من دوری از خانواده به خصوص مادرم هست.

چه کمبودها و سختی هایی در خوابگاه وجود داره؟

اگر مسئولین دانشگاه یک دوری تو خوابگاه بزنند خودشان متوجه می شوند چه کمبود هایی وجود دارد.

به نظرت کدوم کمبودهای خوابگاه از طرف دانشگاه قابل رفع هست ؟

به نظر من تجهیزات خوابگاه قدیمی شده و نیاز به نوسازی داره.

نظرت راجع به خوابگاه و زندگی در جمع دانشجویی چی هست؟

شاید یکی از نکات مثبت خوابگاه همین زندگی با دانشجویهای دیگر و پیدا کردن دوستان جدید باشه که خیلی چیزا میشه از شون یاد گرفت.

اگر ممکنه راجع به شیوه های مطالعه و زمان درس خوندنت در طول ترم هم برای ما بگی به چه صورت هست و آیا از اول ترم شروع به خوندن میکنی؟

معمولا دو سه هفته بعد از شروع ترم درس خوندن رو و شروع میکنم، دوره علوم پایه روزی دو تا سه ساعت مطالعه کافیه، و جمع بندی نهایی را در فرجه ها و شب امتحان انجام می دادم.

منبع مطالعاتی که استفاده می کنید جزوات هستند و یا کتاب های رفرنس؟

منبع اصلی که جزوه ها و حرف های استاد هست در کنارش میشه از رفرنس برای رفع اشکال یا اطلاعات بیشتر استفاده کرد.

جدیدا بین همه ی بچه ها رایج شده که صدای استاد رو ضبط میکنن و استفاده میکنن آیا از این روش استفاده کردی؟

جزوه ها در بعضی درس ها ناقصه و لازم هست که با حضور در کلاس یا گوش دادن به صدای ضبط شده استاد کامل بشه.من خودم برای اولین بار در ترم پنج برای درس های انگل شناسی و بااتولوژی از وویس استفاده کردم و به نظرم تجربه ی مثبتی بود.

نظرت راجع به دروس عمومی چیه؟ آیا از اون دسته دانشجویانی هستی که معدلتو با دروس عمومی بالاتر میریزی؟

همونطور که در جریان هستی ابتدای سال هست و دانشجویان جدیدالورود به دانشگاه اومدن، میتونی واسئون در مورد درس هایی که قراره داشته باشند، خصوصاً درس های ترم اول توضیحی بدی؟

اول از همه قبولشون در رشته ی پزشکی رو تبریک میگم و امیدوارم به اهدافشون برسند. در مورد ترم اول باید بگم که درس هارو دست کم نگیرند؛ به خصوص آناتومی و بیوشیمی.

آرش جان امتحانات پایان ترم و امتحان علوم پایه چه تفاوت هایی دارند؟ شما در هر دوی این امتحانات موفق بودی، میتونی بگی برای هر کدوم از چه شیوه ای استفاده کردی؟

همونطور که در جریان هستی ابتدای سال هست و دانشجویان جدیدالورود به شعار هایی بود که دانشجویان استفاده کردند. شعار هایی که نشان می‌دهد دانشجویان برتر ایران معتقدند اتخاذ سیاست های این چنینی موجب رارضایی نخیکان از دانشگاه و اقبال عمومی هر چه بیشتر شان به مهاجرت می گردد. به عبارت ساده تر یک دانشجو ترجیح میدهد با خرج کردن کمی پول بیشتر و بعضاً مساوی به دانشگاه های خارج از کشور برود و استعداد و توانایی های خود را در جایی خرج کند که از سطح کیفی بالاتری برخوردار است و مهم تر این که قدر او را بهتر می دانند .

تو رو نمیخوان» «تلاش این مسئولان ؛ فرار مغز از ایران» از دیگر شعار هایی بود که دانشجویان استفاده کردند. شعار هایی که نشان می‌دهد دانشجویان برتر ایران معتقدند اتخاذ سیاست های این چنینی موجب رارضایی نخیکان از دانشگاه و اقبال عمومی هر چه بیشتر شان به مهاجرت می گردد. به عبارت ساده تر یک دانشجو ترجیح میدهد با خرج کردن کمی پول بیشتر و بعضاً مساوی به دانشگاه های خارج از کشور برود و استعداد و توانایی های خود را در جایی خرج کند که از سطح کیفی بالاتری برخوردار است و مهم تر این که قدر او را بهتر می دانند .

اگر امکانش هست برای دانشجویان ترم ۵ بگو منابع مطالعاتیت برای علوم پایه چی بود؟

من از کتاب های موسسه ی سیب سبز استفاده کردم و به نظرم حجم مناسبی داشت و از نظر علمی هم خیلی خوب بود.

اینطور که من خبر دارم شما هر ترم معدل الف بودی آیا از سهمیه ۲۴ واحدت استفاده کردی و وسوسه شدی که زودتر واحد ها رو پاس کنی یا نه ترجیح دادی درس ها رو به زمان خودش بگذرونی؟

قصه دارم در ازمون دستپاری شرکت کنم و رشته ی رادیولوژی و یا چشم پزشکی را ترجیح میدهم. به کارهای بالینی بیشتر علاقه دارم. در اخر از نشریه خوبتون و شما آقای سراسرایی عزیز که این مصاحبه رو ترتیب دادید تشکر می کنم.

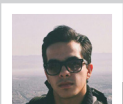
دلیل این کارت چی بود؟

نمی خواستم کارم رو سخت کنم و جدا از این عجله ای هم نداشتم.



نشریه صنفی سندیکا – شماره اول

خاطرات یک ترم اولی قدیمی



محمد زمردیان

سرویس علوم پزشکی یا فردوسی...؟

خیلی از ورودی های جدید وقتی در ایستگاه اتوبوس می ایستند، دقیقاً متوجه نمی شوند کدام اتوبوس فردوسی و کدام یک علوم پزشکی است؟ باید خدمت دوستان عرض کنم والا ما هم نمیدونیم ،پس برای اینکه متوجه نشوند که ترمک هستنید بدون این که از کسی سوال بپرسید پشت سر بقیه شما هم سوار شوید.

خوابگاه یا ...؟

خیلی از دوستان از شهرستان های دور و نزدیک با هزاران امید محیط گرم خانواده را ترک میکنند که زندگی دانشجویی را آغاز کنند و پیش خود فکر میکنند چون دانشگاه علوم پزشکی مشهد است قاعدتاً باید خوابگاه خیلی مجهزی داشته باشد با انواع امکانات رفاهی! اما باید عرض کنم: خواب دیدن خیر باشه.

اگر سوسک ها و موش های خوابگاه را نادیده بگیریم، وجداناً با درد بی اینترنتی چه کنیم؟

جمعه های خوابگاه هم که معضل بزرگست. عصر جمعه به کنار با درد بی غذایی چه کنیم ؟حالا دخترها اندکی اشتهزی بلدهستند و با غذا نداشتن جمعه ها کنار می آیند، ولی در خوابگاه پسرا گاها دیده شده شیخون میزنند به اتاق های دیگر تا چیزی برای خوردن پیدا کنند.

پاسخگو نبودن مسئولین...:

مشکلی که ترم پیش برای ما پیش امد این بود که برخلاف ترم های قبل درابتدای ورود به ما بن کتاب ندادند و حل این مشکل با پیگیری نماینده ها و هم کلاسی ها تقریباً یک ماه طول کشید. ما فکر میکردیم چون محیط دانشگاهی و فرهنگست با نوشتن نامه و صحبت با مسئولین حل میشود اما تا وقتی در راهروی دانشگاه تجمع نکردیم مشکل حل نشد.

برای خود من هم که یک درخواست داده بودم ،حدود بیست روز طول کشید که دنبال جواب نامه ام می گشتم. پیش هر کس که می رفتم می گفت جوابت دست ما نیست برو پیش فلاخی. اخر بعد از بیست روز به خانه اول برگشتم و معلوم شد جواب انجاست و فقط من را سرگردان کردند. نمیدانم شاید به این کارشان اضافه کار میدهند وگرنه هیچ دلیل دیگری به ذهن من نمیرسد.

سلف...:

یکی از مشکلات سلف دور بودن از دانشگاه هست و اگر بعضی روزها پشت سر هم کلاس داشته باشید وقت برای رفتن به سلف نیست.اگر ماشین هم ندارید که باید معطل اتوبوس بایستید. سخت تر آن که ممکن است بعد از اتمام کلاس ها سلف بسته باشد و شما مجبور شوید ان روز را گشته سپری کنید.

مسئله دیگری که بسیار عجیب است ؛این که در منوی سلف یک روز سه غذاای خوب وجود دارد و روز دیگر هیچ غذایی مناسب نیست.

در همان روزهایی که غذا خوب است ته دیگ هم میدهند که خود دو غذا محسوب می شود.

انتخاب واحد...:

در زمان انتخاب واحد قانون جنگل حکم فرمایی میکند و همه اساتید و ساعت هایی که شما مد نظر تان هست در کسری از ثانیه پر میشود. پس نیم ساعت قبل از شروع انتخاب واحد آماده به حمله باشید.

پارکینگ...:

نبودن پارکینگ کاملاً مشهود است. دانشجویهای بیچاره مجبورند ماشین خود را در زمین خاکی بدون سقف بگذارند و هنگام بارگشت و سوارشدن به ماشین کاملاً تبدیل به موجودی خشک شده و افتاب زده می شوند.در برف و باران هم که مشکلات دو چندان میشود.

در اخر هم توصیه هایی برای شما عزیزان در بدو ورود دارم که خدمتتان عرض میکنم:

۱-اساتید را خادوم و اقا صدا نزنید.

۲-برای توالث رفتن نیاز نیست اجازه بگیرید.

۳-اگر روز اول بر روی یک صندلی نشستید لازم نیست تا اخر ترم بر روی همان صندلی بنشینید.

۴-این قدر با سر درد دانشگاه سلفی نگریذ.

۵-از همه مهم تر این که در ترم اول عاشق نشوید.

